

مذاکرات هسته‌ای و هژمونی دولت آمریکا

مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های بزرگ منشاء تحولات مهمی در روابط بین‌المللی شده است بنظر می‌رسد پیامدهای توافق همچنان در آرایش قوای جهانی، منطقه‌ای و درون کشورها تاثیرگذار باقی بماند، پوشیده نیست در صورت عدم دستیابی به این توافق باشگاه قدرت‌های بزرگ که با هژمونی دولت آمریکا اداره می‌شود، اگر نگوئیم دچار فروپاشی می‌شود، اما با چالش بزرگ بر سر تحریم‌ها روبه‌رو بود. احتمال بسیار وجود دارد عقب‌نشینی‌های دولت آمریکا در برابر مطالبات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و پذیرش حقوق هسته‌ای کشورمان تا حدود زیادی ناشی از آینده‌نگری دولت‌مردان آمریکایی نسبت به کم‌اثر شدن و یا از دست دادن سلطه در باشگاه ابرقدرت‌ها بوده باشد. رئیس‌جمهور آمریکا بارها به این نکرانی جدی اشاره کرده است و تلویحا گفته است دیگر نمی‌توان تحریم‌ها را ادامه داد زیرا شرکای ما همراه ما ادامه نخواهند داد. به تعبیر دیگر در صورت ادامه تحریم‌ها، از آنجا که منافع اتحادیه اروپا، چین و روسیه با تحریم‌های یکجانبه آمریکا همسو نبود، نظام تحریم‌های بین‌المللی شکسته می‌شد و آمریکا ناگزیر نظاره‌گر نخستین فروپاشی نظم جهانی موجود و سقوط یک‌باره هژمونی خود در این نظم

* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

می‌شد. بدیهی است حفظ مقام بالادستی در باشگاه ابرقدرت‌ها مساله‌ای نبود که آمریکا بتواند به سادگی از کنار آن بگذرد.

دستگاه دولت در آمریکا در یک آماده‌باش کامل بیش از دو سال درگیر پرونده هسته‌ای بود وزیر خارجه آمریکا که بایستی دائماً درگیر حال رعایای خود در سراسر جهان باشد، تقریباً بیشترین عمر کاری خود را برای حل این پرونده صرف کرد. زیرا حیات بین‌المللی آمریکا برای نخستین بار در معرض خطر جدی از دست دادن رهبری جهانی قرار داشت. در اهمیت این هژمونی همین بس که گفته شود، در شورای امنیت تمامی ۱۵ کشور عضو بی‌هیچ اراده‌ای قطعنامه‌های پیشین خود را لغو و قطعنامه جدید را بدون حذف یک ویرگول تصویب کردند. لذا این توانایی تحمیل اراده در سطح بین‌المللی از سوی آمریکا مساله‌ای نبود که دولت آمریکا بتواند آنرا به خاطر خواست لابی صهیونیستی و یا اعضای کنگره و سناتورها نادیده بگیرد.

باز هم در اهمیت این هژمونی کافی است گفته شود همواره از اعضای ۱+۵ صدای واحدی شنیده شد. اگر چه گاهی وزیر خارجه روسیه تندی می‌کرد و یا وزیر خارجه فرانسه نقش پلیس بد را بازی می‌کرد، اما آنچه که توسط دولت آمریکا اظهار می‌شد، پیشاپیش از سوی دیگر قدرت‌های بزرگ پذیرفته شده بود. کتابچه برجام هم توسط همین دولت صفحات آن نگاشته شد، بدیهی است کارگروه بزرگی در پشت پرده نگارش متن مقدماتی برجام در داخل دولت آمریکا اعم از نخبگان وزارت خارجه، سازمان اطلاعات مرکزی و پنتاگون و دیگر فعالان جامعه اطلاعاتی، اقتصادی، سیاسی و حتی دانشمندان هسته‌ای آمریکا بودند در مقابل آنان نیز کارکشتگان هسته‌ای کشورمان جان‌زنان اصلی این مذاکرات بودند و متن‌های پیشنهادی را جرح و تعدیل می‌کردند. عقب‌نشینی‌های ثانیه‌های آخر دولت آمریکا در خصوص تعدیلات و ویرایش متن پیشنهادی در برابر تیم هسته‌ای کشورمان افزون بر آنکه ناشی از اراده سیاسی دولت آمریکا برای حفظ سلطه جهانی خود بود، از درک درست موقعیت شکننده آمریکا در جهان از سوی رهبری خردمند و هوشمند کشورمان و همچنین حرفه‌ای بودن کارگروه دیپلماتیک، حقوقدانان ایرانی و دانشمندان هسته‌ای کشورمان نیز برخوردار بود. اکنون که سطح چالش توافق برجام از سطح بین‌المللی به سطوح منطقه‌ای و داخلی فروکاسته شده است، اتفاق تاریخی مهم دیگری

هم در جریان است که از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا برای نخستین بار از تشکیل موجودیت رژیم صهیونیستی، اسرائیل طعم شکستی استراتژیک را در صحنه باشگاه قدرت‌های جهانی و در اردوگاه غرب چشیده است و برای نخستین بار شاید در تاریخ روابط اسرائیل و آمریکا به این رژیم «نه» گفته شده است.

پوشیده نیست که رژیم اسرائیل سالهاست که در جهت‌گیری و هدایت سیاست‌های آمریکا و اروپا و بلکه در توازن قوای بین‌المللی نقش قابل توجهی دارد. هر گاه که روابط ایران و آمریکا به سوی کاهش تنش حرکت می‌کرد، همواره این اسرائیل بود که از طریق رایزنی‌های داخلی خود در اردوگاه غرب و یا بحران‌آفرینی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مانع کاهش تنش می‌شد و چنین وانمود کرده بود که بهبود روابط ایران و آمریکا از تل‌آویو می‌گذرد. اگر چه هرگز جمهوری اسلامی ایران اعتمادی به آمریکا نداشته است که بهبود روابط را به صورت جدی دستور کار قرار دهد، اما هر گاه که موضوع کاهش خصومت مطرح شده است، لابی صهیونیستی موفق عمل کرده است، اما در این پرونده رایزنان رژیم صهیونیستی در دولت‌های غربی علیرغم صرف هزینه‌های بسیار نتوانستند از روند پذیرش توافق در کنگره آمریکا جلوگیری کنند. در این میان گستردگی آلودگی و فساد که رایزنان رژیم صهیونیستی در کشور آمریکا در میان اعضای کنگره، سناتورها و دو حزب جمهوریخواه و دموکرات ایجاد کرده‌اند باورنکردنی است. به اعتراف محافل غربی میلیون‌ها دلار تاکنون توسط «ایپک» صرف شده است، بدیهی است که بیشتر این پول‌ها به جیب اشخاص و دولتمردان سرازیر شده باشد. سخنان سرشار از حقد و کینه قانون‌گذاران آمریکا و نامزدهای احزاب به ویژه حزب جمهوریخواه علیه جمهوری اسلامی ایران افزون بر آنکه ماهیت و عمق کینه سیاستمداران آمریکا را علیه کشورمان نشان می‌دهد، حاکی از مساله بسیار بزرگتری است و آن فساد نهادینه شده‌ای است که در ساختار حاکمیتی آمریکا ایجاد شده است، به گونه‌ای که حتی رژیم عربستان هم می‌تواند نمایندگان کنگره و سناتورها را خریداری کند. و نکته جالب توجه آن است همچنانکه سطح تنش میان ایران و آمریکا کاهش می‌یابد، عربستان سعودی و اسرائیل به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند. همکاری نیروی هوایی عربستان با اسرائیل در بمباران مناطق مختلف یمن که از هم اکنون اخبار آن جسته و گریخته

ج

د

شنیده می‌شود، از جمله موارد بی‌شماری است که در پس پرده روابط عربستان و اسرائیل جریان دارد در هر حال عاقبت و اجرای برجام هر چه باشد، روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا تا زمانی که آلودگی نهادینه در نظام قانون‌گذاری آمریکا وجود داشته باشد، بهبود نخواهد یافت تصویری که در موضوع توافق هسته‌ای از سوی کنگره آمریکا ارائه شد، میزان عمیقی از دشمنی علیه جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد که حتی اگر نسیمی برانگیخته شود و کبوترهای دمکرات به جای بازهای جمهوریخواه بنشینند، باز هم تغییری در کلیت رفتار آمریکا ایجاد نخواهد شد و هر دو حزب ولابی اسرائیل و دشمنی با ایران را بر هر چیز دیگری حتی هژمونی جهانی آمریکا ترجیح خواهند داد. بنظر می‌رسد آمریکا تمایل دارد همچنان برای ایرانیان شیطان اکبر باقی بماند.